
بررسی شبهه دونالدسن مبنی بر عدم تمایل امام سجاد علیه السلام به مبارزه و فعالیت سیاسی با تاکید بر نظرات مقام معظم رهبری علیه السلام

علی قانعی^۱

منیره هادی به (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

شبهه کناره‌گیری امامان پس از شهادت امام حسین علیه السلام از فعالیت‌های سیاسی در کتاب مذهب شیعه دونالدسن بیان شده است. البته همین شبهه انزوا در اذهان بسیاری از مسلمانان خصوصاً در مورد امام زین العابدین علیه السلام مطرح بوده است. مستند دونالدسن ظاهراً، دو واقعه تاریخی است: یکی عدم تعرض مسلم بن عقبه به امام سجاد علیه السلام در جریان واقعه حره و نیز عدم تعرض ابن‌زبیر به حضرت در جریان قیام مختار. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که امام سجاد هیچ فعالیت سیاسی نداشته و لذا مسلم و ابن‌زبیر با ایشان درگیر نشدند. اما با توجه به نقل‌های معتبر تاریخی از ابعاد مختلف مبارزات سیاسی امام سجاد علیه السلام و تحلیل‌های تاریخی اندیشمندان بزرگ جهان تشیع آیت‌الله خامنه‌ای بطلان این شبهه آشکار می‌شود. یافته‌های پژوهش که به روش کتابخانه‌ای به‌دست آمده، نشان می‌دهد مبارزه سیاسی امام

۱. دکتری تفسیرعلوم قرآن، دبیر آموزش گروه تفسیر جامعه الزهرا (س) monirehadi60@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار جامعه الزهرا و ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، Ghane83@yahoo.com

سجاد از لحظه اول شهادت امام حسین علیه السلام آغاز و تا آخر عمر پر برکتش ادامه یافت است؛ زیرا هدف تمام ائمه، تشکیل حکومت اسلامی بوده و هیچ کدام در انجام این وظیفه خطیر کوتاهی نکردند. اگر چه امام سجاد علیه السلام نتوانست به مبارزه مسلحانه دست بزند اما، در برابر عبدالله و یزید برخورد شدید سیاسی داشته، همچنین تمام تلاش خود را پس از بازگشت از اسارت در جهت زنده نگهداشتن یاد و خاطره عاشورا و حراست از دستاوردهای آن انجام دادند. ایشان با علمای درباری به شدت برخورد می‌کرد و به تربیت صحابه شجاع و ساماندهی جمعیت شیعه پرداخته و خود و اصحاب نسبت به حکومت اموی تا حد امکان برخورد سیاسی داشتند. در جریان واقعه حره و نیز قیام مختار حضرت، به دلایلی متعدد شرکت نداشته و یا نقش پررنگی ایفا نکردند تا بهانه‌ای برای نابودی اصل و اساس شیعه به دست دشمن داده نشود. لذا بر خلاف ادعای دونالدسن، حیات سیاسی امام سجاد علیه السلام خالی از عزلت نشینی است و رفتارهای ایشان بر اساس مصالح سیاسی شیعه بود.

کلید واژه‌گان: حیات سیاسی امام سجاد علیه السلام، مبارزه سیاسی، مصالح سیاسی شیعه

مقدمه

سابقه شیعه‌شناسی مستشرقان بسیار کوتاهتر از مطالعات آن‌ها در دیگر حوزه‌های مطالعات اسلامی است. این کم توجهی از کمیت آثار چاپ شده در مورد شیعه در غرب به روشنی قابل درک است. چنان‌که پروفیسور هانری کربن در این باره می‌گوید: ندای تشیع در جهان تاکنون به زحمت شنیده شده است. (آشتیانی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۰) قدیمی‌ترین مطالب درباره ائمه شیعه به صورت مخصوص و به شکل علمی در مقاله‌های دائرةالمعارف اسلام و نیز کتاب مذهب شیعه دونالدسن که با رویکرد امام‌شناسی شیعه و عقاید امامیه نگاشته شده، یافت می‌شود.

آقای دوایت. م. دونالدسن یکی از شرق‌شناسانی است که به مطالعه و تحقیق درباره شیعه پرداخت. او علت تحقیق خویش درباره شیعه را سخن ادوارد براون می‌داند. براون در تاریخ ادبیات خود می‌نویسد هنوز هیچ اثر جامع و معتبری به زبان‌های غربی درباره شیعه نداریم. (براون، ۱۳۷۵ش، ص ۴۱۸) لذا دونالدسن شروع به کار کرد و تلاش نمود تا افراد ناآگاه از شیعه را با این مذهب آشنا کند.

اما دونالدسن در نگارش تاریخ شیعه دچار خطاهایی می‌شود. یکی از خطاهایی که او در کتاب مذهب شیعه مرتکب شده، آن است که تلاش می‌کند با استناد به برش‌هایی از تاریخ، به مخاطبین خود القا کند که تمام ائمه پس از امام حسین علیه السلام به امور دینی تمایل داشتند و نه سیاست و آنان تلاش کردند خود را از سیاست و حکومت دور کنند. (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۲) از آنجایی که این تفکر خطا، به خصوص درباره امام سجاد علیه السلام در میان شیعیان نیز وجود دارد، در این مقاله تلاش می‌شود با ادله کافی و با تأکید بر سخنان مقام معظم رهبری این شبهه برطرف گردد. این شبهه، از سوی برخی گروه‌ها از جمله انجمن حجّتیّه مبنی بر عدم ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تا پیش از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ترویج شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد امام سجاد علیه السلام (و حتی دیگر ائمه) تلاش کرده‌اند تا

حکومت اسلامی ایجاد کنند و هیچ گاه و در هیچ دوره‌ای از حیاتشان از فعالیت‌های سیاسی در حد توان خود کوتاهی نکردند. دونالدسن شبهه کنارگیری ائمه از اقدامات و مبارزات سیاسی را از امام سجاد علیه السلام آغاز کرده و درباره امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نیز تکرار می‌کند، اما از آنجاکه پاسخ به این شبهه درباره هر یک از ائمه علیهم السلام، پژوهش وسیعی می‌طلبد، در پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای فقط به نقد این نظر و بیان مبارزه و تلاش‌های سیاسی امام سجاد علیه السلام با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری پرداخته خواهد شد.

در نقد نظرات دونالدسن در کتاب مذهب شیعه خصوصاً در زندگانی امام سجاد علیه السلام اثر مستقلى به نگارش در نیامده، گرچه درباره تاریخ ائمه دیگر، مقالاتی در نقد این کتاب به چشم می‌خورد. اما پیش از تبیین نظر دونالدسن درباره امام سجاد علیه السلام و نقد آن، لازم است به اختصار به معرفی دونالدسن و کتاب مذهب شیعه بپردازیم.

۱. معرفی اجمالی دونالدسن و کتاب مذهب شیعه

دوایت. م. دونالدسن از مستشرقین اهل انگلستان و فارغ التحصیل مدرسه تبلیغات کندی در هارتفورد می‌باشد. او ۱۶ سال در ایران و در شهر مشهد سکونت داشته و به همراه همسرش به برخی سرزمین‌های اسلامی سفر کرد. آثار وی بیشتر شیعه پژوهانه است مانند: «کتاب مذهب شیعه» یا «تاریخ اسلام در ایران و عراق»، «محمد و غزالی»، «سلمان فارسی»، «امامت نزد شیعه»، «قانون جدید ایران»، «اعتقاد به جن در ایران»، «قرآن و سحر»، «ازدواج عرفی در اسلام»، «الکامل»، «صفات فلک»، «قصیده صوفیه»، «مطالب طبقه دنیا»، «توبه در اسلام»، «حکومت در اسلام»، «اسلام در هند»، «سفر ابن جبیر به مدینه»، «فصل مسیح در تاریخ یعقوبی» و... (دونالدسن، ۱۳۹۵، ص ۵۵-۵۴)

اما کتاب مذهب شیعه (Religion Shiite The) مهم‌ترین اثر دونالدسن است و می‌توان آن را شامل یک دوره فرهنگ، تاریخ سیاسی، کتابشناسی عالمان شیعه، فرق انحرافی، مباحث عمده کلامی و... دانست. البته مولف نام دوم این کتاب را «تاریخ اسلام در ایران و

عراق» نهاد و انتشارات معروف لوزاک لندن آن را منتشر کرد. در ارزش و اعتبار این کتاب میان نویسندگان اختلاف نظر است. برخی چون دکتر زرین کوب این کتاب را سطحی می‌دانند و معتقدند این اثر نقطه آغاز مطالعات مستند امامیه در غرب است و بیشتر کارهای بعدی مرجع شان همین کتاب است (زرین کوب، ۱۳۶۲ش، ص ۱۴۳) و بعضی مانند دکتر نصر بر این نظرند که این کتاب هنوز در مطالعات شیعه امامیه مستند و مرجع است. (دونالدسن، مقدمه مترجم، ۱۳۹۵ش، ص ۵۵) عباس احمدوند، مترجم کتاب مذهب شیعه به زبان فارسی می‌گوید: «مؤلف با رویکردی سنی مآبانه، روایی و گاهی اندکی تحلیلی سعی در تحقیق کاری علمی داشته است.» (همان، ص ۵۷ - ۵۶)

کتاب در ۳۲ فصل تدوین شده و دارای کتابشناسی مراجع غربی، فارسی، عربی، نمایه است. این کتاب در برخی فصول سنی مآبانه و در بعضی جاها شیعه مدارانه است، اما در برخی از فصل‌ها سخنان غیر علمی و خرافی دارد و مترجم کتاب تلاش کرده برخی از اشتباهات و خطاها را در قسمت تعلیقات کتاب پاسخ گوید.

دونالدسن کتاب را با مسئله «جان‌شینی پیامبر» آغاز می‌کند و فصل دوم را به «غاصبان سه‌گانه» و در فصل‌های بعدی به زندگی امامان تا حضرت صاحب الزمان اختصاص می‌دهد. او حتی به توضیح در مورد شهر مشهد و سامرا و نیز معرفی نواب اربعه، زیارت قبور امام زادگان، ماجرای ظهور آل بویه و شرح عقیده امامت، عصمت و شفاعت توجه دارد. اما قبل از شرح و تبیین نظر دونالدسن درباره عدم تمایل امام سجاد علیه السلام، لازم است عنوان کلیدی بحث، مفهوم‌شناسی گردد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مفهوم در این جا مفهوم «سیاست» باشد که به تعریف آن پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی سیاست

سیاست در لغت، اصلاح، تربیت و تدبیر است؛ لذا در معانی امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن، حکم راندن، مصلحت اندیشیدن، کیفر دادن، تربیت و ادب کردن، تمرین دادن حیوانات، به اصلاح چیزی همت گماردن و نگاهداری و حراست، به کار رفته است.

(فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۳۶، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۰۸ و دهخدا ذیل واژه سیاست)

اما از نظر اصطلاحی، آیت الله مصباح در تعریف سیاست این گونه می آورد: سیاست یعنی روش اداره جامعه یا تنظیم جامعه به صورتی که به مصالح و خواسته های جامعه تحقق بخشیده شود. به تعبیر ساده تر، سیاست یعنی آیین کشورداری. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۶)

البته تا آن جا که صاحب نظران می گویند تاکنون حدود ۲۰۰ معنا برای این واژه ارائه شده است. عده ای از نظریه پردازان سیاست را به معنای «علم قدرت» دانسته اند. برخی دیگر از نظریه پردازان غربی سیاست را به معنای «علم دولت» دانسته اند. اما در فرهنگ سیاسی اسلام واژه سیاست را به معنای تمشیت امور چه در امر دولت و چه غیر دولت آورده اند. (رک. درافشان، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵)

همچنین تعریف بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، فقیه و سیاستمدار شیعه از سیاست این گونه است: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد تمام مصالح جامعه و تمامی ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را به طرف چیزی که صلاحشان هست هدایت کند». (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲) از آنجاکه محور این پژوهش، مبارزه سیاسی ائمه با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری است به تعریف مبارزه سیاسی از منظر این اندیشمند بزرگ پرداخته می شود.

از منظر رهبر فرزانه انقلاب آیت الله خامنه ای، مبارزه سیاسی ائمه معصومین علیهم السلام فقط مبارزه علمی، اعتقادی و کلامی نبود و هدفشان از بیان حدیث و نقل معارف و احکام فقط اثبات یک مکتب کلامی یا فقهی در مقابل معتزله یا اشاعره نبود بلکه هدف تشکیل حکومت اسلامی است. ایشان می نویسند: مقصود از مبارزه سیاسی عبارت است از مبارزه ای با یک هدف سیاسی و آن هدف تشکیل حکومت اسلامی و به تعبیر ما حکومت علوی است. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۶)

ایشان معتقد است: ائمه از لحظه وفات رسول الله تا سال ۲۶۰ در صدد بودند که حکومت الهی را در جامعه اسلامی به وجود بیاورند. البته نمی توانیم بگوییم که می خواستند حکومت اسلامی را در زمان خودشان یعنی هر امامی در زمان خودش به وجود بیاورد، بلکه آینده های میان مدت و بلند مدت و در مواردی هم نزدیک مدت وجود داشت.

مدعای مقام معظم رهبری این است که: همه کارهای ائمه (غیر از کارهای معنوی و روحی که مربوط به قرب اوبه خدا می شود) یعنی درس، حدیث، علم، کلام، محاجه با خصوم علمی، با خصوم سیاسی، تبعید، حمایت از یک گروه و ردّ یک گروه، در این خط، برای این است که حکومت اسلامی را تشکیل بدهند. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۷-۶)

چنان که پیش از این گفته شد دونالدسن در صدد است کناره گیری ائمه بعد از امام حسین علیهم السلام را از سیاست اثبات کند، و در راستای این هدف پس از بیان اوضاع زندگی امام سجاد، ایشان را منزوی معرفی می کند. لذا لازم است پس از بیان دقیق مدعای او، به نقد این شبهه با ادله تاریخی بپردازیم.

۳. تبیین دیدگاه دونالدسن درباره فعالیت سیاسی امام زین العابدین علیه السلام

دونالدسن معتقد است: پس از این که مردم مدینه و مکه، عبدالله بن زبیر را خلیفه خواندند واقعه حره و هتک حرمت مزار پیامبر رخ داد. یزید، مسلم بن عقبه را به سوی مدینه فرستاد تا آن قیام را سرکوب کرد در جریان این واقعه، حضرت زین العابدین از شرکت در این قیام خودداری کرد.

سپس مسلم از مردم خواست با یزید بیعت کنند. یکی از افرادی که نزد او آمد، علی بن حسین بود. مسلم حضرت را کنار خویش بر تخت نشانید و گفت: خلیفه درباره تو دستور ویژه ای به من داده است. حضرت فرمود: هرگز اقدام مردم مدینه را تأیید نمی کنم. مسلم او را با احترام به منزلش بازگرداند. (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۵)

پس از خونخواهی و قیام مختار نیز با آن که مختار در کوفه اعلام کرد که نماینده زین العابدین علیه السلام است، لیکن ابن زبیر هرگز امام زین العابدین ع را مسئول اقدامات مختار

ندانست، زیرا درحالیکه پیوسته مختار را تعقیب می‌کرد و سرانجام هم او را شکست داده و در نبرد کشت، در مدینه متعرض امام زین العابدین ع نشد. او می‌گوید: امام از جانب مختار پیشنهاداتی دریافت کرد ولی به نامه‌اش پاسخ نداد. (همان، ص ۲۰۸)

با توجه به آنچه از کتاب مذهب شیعه نقل شد، مولف در صدد است با استناد به دو قضیه تاریخی یعنی عدم شرکت امام سجاد ع در قیام حره و در نتیجه مورد تعرض قرار نگرفتن حضرت از سوی مسلم بن عقبه و حتی احترام کردن مسلم به ایشان و نیز عدم تعرض ابن‌زبیر به حضرت سجاد پس از قیام مختار به مخاطبان خود القاء کند که حضرت، فردی منزوی بود که نمی‌خواست در فعالیت‌های سیاسی شرکت کند. او با استفاده از جریان اختلاف در جانشینی امام حسین ع که بین محمد حنفیه و امام سجاد علیه السلام رخ داد نیز می‌خواهد این مسئله را تلقین کند که ایشان اگرچه مدعی امامت بوده اما به زندگی آرام و منزوی در مدینه تمایل داشت. لذا در این باره می‌آورد:

«پس از مرگ ابن‌زبیر، محمد بن حنفیه و زین العابدین علیه السلام به مکه رفتند تا ببینند واقعاً کدام یک در جانشینی امام حسین برحقند. هر دو در کنار خانه کعبه، حجرالاسود را خواندند. محمد بن حنفیه دعا کرد، ولی هیچ پاسخی نیامد. سپس زین العابدین ع دعا کرد و حجرالاسود به حدی تکان خورد که نزدیک بود از دیوار کعبه بیرون افتد. آن گاه به زبان عربی فصیح پاسخ گفت: زین العابدین علیه‌السلام پس از حسین علیه‌السلام امام برحق است. محمد بن حنفیه این قضیه را پذیرفت و پس از این اتفاق، زین العابدین به مدینه بازگشت و در آن جا زندگی آرام و منزوی در پیش گرفت.» (همان، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۰۹)

۴. نقد و بررسی نظر دونالدسن

قبل از نقد نظر دونالدسن لازم به ذکر است که امامت امام سجاد علیه السلام همزمان با شهادت پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام در کربلا بود. بر طبق نقل متواتر تاریخ به دلیل بیماری موقت وظیفه جهاد از ایشان ساقط شد. (مسعودی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۰)

ایشان در زمان حیاتش با شش خلیفه معاصر بود که همگی دشمن اهل بیت علیهم السلام بودند.

این خلفا عبارتند از یزید بن معاویه، عبدالله بن زبیر، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و ولید بن عبدالملک. امام سجاد علیه السلام پس از شهادت پدر، به اسارت در آمد و مسئولیتش از همان لحظه آغاز شد و در تمام دوران امامت اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حکمفرما بود.

مقام معظم رهبری معتقدند: در ذهن بسیاری از مردم حضرت زین العابدین، فرد سالخورده، ساکت مریض احوالیست که دائماً مشغول دعا خواندن و یا گریه و یا رسیدگی به ایتم است. اما مطالعه در تاریخ امامت ۳۵ ساله حضرت، نشان می‌دهد او یک قهرمان کامل است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۶۲-۶۱)

امام علی بن حسین پس از حادثه عاشورا بر سر یک دوراهی قرار گرفت، یا باید با ایجاد هیجان و احساسات در میان جمع شیعه پرچم مخالفت برافراشته و به یک عمل متهورانه دست زند و صحنه را برای ترک تازی‌های بنی امیه در میدان فکر و سیاست خالی کند یا باید احساسات سطحی را به وسیله تدبیری سنجیده مهار کند و عجالتاً، جان خود و تعداد بسیار معدود یاران قابل اتکای خود را حراست کرده و میدان را در برابر حریف رها نکند و در این جبهه یعنی جبهه سازندگی افراد صالح و تعلیم اندیشه راهنما، به مبارزه بی‌امان ولی پنهان مشغول باشد. راه دوم دشوارتر و حوصله گیرتر و قهرمانانه‌تر بود و امام آن را برگزید و سرانجام نیز جان بر سر آن نهاد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ص ۶۰۰)

آری، با مطالعه تاریخ حیات امام سجاد علیه السلام و تحلیل رفتارهای حضرت و شرایط زندگی ایشان، بطلان نظر دونالدسن در کناره‌گیری حضرت از سیاست آشکار می‌شود. در ادامه به تلاش‌های سیاسی این امام بزرگوار که در جهت حفظ تشیع و زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت اسلامی انجام شد، اشاره می‌گردد.

۴.۱ اقدامات سیاسی امام سجاد پس از شهادت امام حسین ع و آغاز امامتش

۱.۱- ۴ ایراد خطبه و برخورد با عبیدالله بن زیاد در کوفه

شهر کوفه اولین جایی بود که امام زین العابدین علیه السلام باید رسالت خود را انجام می‌داد، آن

هم در شرایطی که عبیدالله برای این که خود را پیروز مطلق واقعه کربلا معرفی کند، دستور داده بود که سرهای شهدا را پیشاپیش کاروان اسرا در محله‌های کوفه بچرخانند. (قمی، ۱۳۸۷، ص ۴۵۱) زنان کوفه با دیدن وضعیت اندوهبار کاروان، شروع به گریه و ناله کردند.

امام آنان را مخاطب قرار داد و با تعجب فرمود:

«أتنوحون و تبكون من اجلنا؟ فمن الذی قتلنا؟»

آیا شما به حال ما نوحه می‌کنید و می‌گریید، پس چه کسی ما را کشت؟ (ابن طاووس، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). حضرت در میان مردم خطبه‌ای شجاعانه خواند و ضمن بیان جنایات ضد انسانی یزید، مزدوران او را قاتل و غارتگر و شکننده حرمت فرزند پیامبر معرفی کرد و شهادت خاندان اهل بیت پیامبر را بزرگترین افتخار خود دانست. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۱۲) ایشان با این کار توانست ضمن به رخ کشیدن روحیه شجاعت و ایستادگی خود و بیان جنایات وحشیانه یزید و لشکریانش، از جعل و تحریف واقعه عاشورا جلوگیری کند و ماهیت قیام حسینی را به تصویر کشد.

حضرت در کاخ عبیدالله نیز چنان سخن گفت که ابن زیاد تصمیم گرفت ایشان را نیز به شهادت برساند، لکن حضرت زینب که حضرت سجاد را در خطر دید به شدت با ابن زیاد سخن گفت و لذا او از کشتن امام منصرف شد و دستور داد آنان را به زندان بپندازند. (ابن طاووس، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳ و شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۵۲)

۱.۲ - ۴ - برخورد شدید سیاسی در برابر یزید

امام زین العابدین علیه السلام در ادامه اسارت، باز هم از مبارزه دست نکشید و در مواقع مختلف به رسوا کردن بنی امیه پرداخت. از جمله، زمانی که عبیدالله بن زیاد به دستور یزید کاروان اسرای کربلا را به شهر دمشق فرستاد و کاروان وارد شهر شد، ناگهان پیرمردی شامی رو به اسیران کرد و گفت: «سپاس خدایی را که شما را کشت و نابود ساخت و مردمان را از شرتان آسوده کرد و امیرالمؤمنین (یزید) را بر شما پیروز گردانید.» بلافاصله حضرت سجاد علیه السلام شروع به احتجاج با او کرد و خود و خاندان گرامیش را به او معرفی نمود به گونه‌ای

که مرد شامی از گفته اش پشیمان شد و وقتی خبر به یزید رسید، دستور داد تا آن پیرمرد را به قتل رسانند. (طبرسی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۱۱۶-۱۱۴)

سپس اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دست بسته به مجلس یزید وارد کردند و ایستاده نگه داشتند. در این جا نیز امام سکوت نکردند و در برابر یزید فرمودند: «انشدک الله یا یزید! ما ظنک برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لورءانا علی هذه الصفة»

«تو را به خدا سوگندای یزید: به گمان تو اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما را با این وضع مشاهده می نمود چه می کرد؟»

یزید دستور داد، ریسمان را قطع کرده و برداشتند. (ابن طاووس، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۹۵)

در یکی از روزها نیز یزید، خطیب دربار را امر به خواندن خطبه کرد و او به نکوهش امیرالمومنین و امام حسین علیهما السلام و ستایش معاویه و یزید پرداخت. در این هنگام امام سجاد علیه السلام شروع به خواندن خطبه کرد و چنان یزید را رسوا نمود که ناچار شد برای ساکت کردن امام به موذن دستور اذان دهد. اما امام همچنان با هر کلمه اذان به شناساندن خود و پدرش به عنوان فرزندان نسبی رسول خدا تأکید می ورزید و فضائلی را از آنان بیان کرد که تا آن روز مردمان شام نشنیده بودند. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۶ و حسینی جلالی ۱۴۱۸ق، ص ۵۴-۵۱) این خطبه ها و احتجاجات نمودی از مبارزه سیاسی حضرت با امویان است.

مقام معظم رهبری برخلاف دونالدسن بر این نظر است که ائمه علیهم السلام همه به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بودند. ایشان در کتاب حماسه امام سجاد علیه السلام به حرکات حضرت در برابر عبیدالله بن زیاد و یزید اشاره کرده و آن را در جهت پیگیری همین هدف دانسته اند و علت رویکرد حاد سیاسی امام سجاد علیه السلام در مقطع اول امامت شان را زمینه کار آینده برای تشکیل حکومت الهی و اسلامی می داند. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۱۷۸-۱۷۴)

ایشان معتقد است: «گفتار اعجاز آمیز حضرت در شرایطی که یزید می خواست این گروه را ضد دین و اخلاک و واجب القتل معرفی کند به گونه ای بود که نشان می داد، یزید

ظالم و خونخوار است و قابل حکومت کردن نیست.» (همان، ص ۵۹- ۵۸)

۱.۳- ۴ خطبه‌ای در بدو ورود به مدینه

کاروان امام حسین پس از گذشت هفت ماه به مدینه بازگشت. خبر شهادت حضرت و یارانش پیش از آن به مدینه رسیده بود و بنی هاشم عزادار بودند. مدینه آخرین پایگاهی بود که باید پیام واقعه جانگداز عاشورا را پس از کوفه و شام دریافت می‌کرد. امام بشیر بن جذلم را احضار کرد. او که شاعر مرثیه سرا و پرآوازه‌ای بود مامور شد که پیش از ورود امام به مدینه، خبر شهادت اباعبدالله را برساند. بشیر نیز بر اسب سوار و به شهر وارد شد و در مسجد پیامبر چنان سخن گفت که همه مردم مدینه به گریه و شیون پرداختند. (قمی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۱۰۵)

بشیر می‌گوید امام سجاد علیه السلام در نزدیکی مدینه خیمه زده بود و مردم مدینه گریان به سوی ایشان شتافتند. او می‌گوید: حضرت پس از پاک کردن اشک‌هایش بر روی چهارپایه‌ای نشستند و مردم را به سکوت دعوت کرد و آن‌گاه به بیان فاجعه غمناک کربلا و مظلومیت امام حسین علیه السلام و یارانش پرداخته و اهل مدینه را به برپایی عزا، مراسم سوگواری و مصیبت دعوت کرد تا این واقعه در سینه‌ها ثبت گردد و فراموش نشود. (همان، ج ۱، ص ۱۰۵۴- ۱۰۵۱ و حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۶- ۶۵)

اینها همه نشان از مبارزه حاد سیاسی امام با حکومت بنی امیه دارد و اگر امام تمایل به سکوت و انزوا و عدم فعالیت سیاسی پس از شهادت امام حسین علیه السلام داشت به چنین فعالیت‌های شجاعانه و خطرناکی دست نمی‌زد.

۱.۴- ۴ زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و حراست از دستاوردهای آن

بنی امیه سعی کرد حادثه کربلا را با تبلیغات و روش‌های خباثت آمیز خودش لوث کند و نگذارد کسی از آن چیزی بفهمد. اما امام سجاد در مقابل این توطئه قیام کرد و تمام آنچه را مردم باید از حادثه عاشورا بدانند بدون واژه‌های آنان بیان کرد بی‌تقیه و ترس از کشته

شدن. با این کار هم تاریخ را تثبیت کرد و هم دشمن را دچار شکست سیاسی و روانی نمود.
(خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۵۹۹)

امام با گریه بر شهیدان کربلا به این مبارزه منفی ادامه می‌داد و با دیدن آب و غذا اشک می‌ریخت و وقتی علت را از ایشان جویا می‌شدند به حادثه عاشورا اشاره می‌فرمود. ایشان در پاسخ به سؤال یکی از بزرگان مصر که پرسید حال شما چگونه است؟ فرمود: فکر نمی‌کردم که شخص بزرگی از مصر حال ما را نداند! اینک برایت توضیح می‌دهم، وضع ما در میان قوم خود مثل وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسران شان را می‌کشتند و دخترانشان را زنده نگه می‌داشتند. امروز وضع بر ما به قدری تنگ است که مردم با سب و ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها به دشمنان ما تقرب می‌جویند. (ابن عساکر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳)

قطعاً تلاش‌های امام سجاد حتی در شام نیز اثرگذار بوده است و با وجود تبلیغات مسموم معاویه و یزید علیه اهل بیت، مردم شام از عملکرد خود نسبت به اهل بیت پشیمان شدند و با ایشان در عزای امام حسین و یارانش همراه شدند، آنگونه که اگر یزید اسرای خاندان نبوت را به مدینه نمی‌فرستاد، شورش‌های بزرگی در شام اتفاق می‌افتاد. (رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶)

۱.۵-۴. استفاده از دعا برای تعلیم و انتقال معارف اسلامی

یکی از وظایف اصلی امام تفسیر و شرح و تبیین و تدوین مکتب است. در مدت ۱۰ سالی که پیامبر در میان جامعه اسلامی زندگی کردند بسیاری از نیازهایی که جامعه انسانی ممکن است داشته باشند پیش نیامد و بنابراین پاسخگویی اسلام به آن مسائل معلوم نشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۶۳) بنابراین لازم بود تا امیرالمومنین و پس از ایشان فرزندان او که به مقام امامت نائل می‌آمدند به تبیین دقیق معارف ناب اسلامی بپردازند.

امام زین العابدین علیه السلام نیز به این مسئولیت خطیر اقدام کرد و البته یکی از شیوه‌های تبلیغاتی و مبارزاتی او تبیین معارف اسلام در قالب دعا بود. این دعاها مکتب تربیتی بزرگی است که در سازندگی و رشد روحی انسان‌ها نقش مهمی دارد. صحیفه سجادیه که مجموعه

دعاهای حضرت سجاد است، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است. حضرت در این ادعیه به نقش و موقعیت ویژه رهبران الهی و امامان و امتیازات آنان پرداخته و این دقیقاً به معنای نفی مشروعیت حکومت زمامداران وقت بود. (پیشوایی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۸۷- ۲۸۰ و ر. ک جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۷۷- ۲۷۵)

این اقدامات و مبارزات حضرت آثار و برکات کوتاه مدت و بلندمدت زیادی داشت که برای آگاهی از آنها می توان به کتابهای تاریخی که در مورد حیات امام سجاد علیه السلام است مراجعه نمود و شرح آن در این پژوهش نمی گنجد.

۱.۶- ۴. مبارزه با علمای درباری

یکی از برخوردهای حاد سیاسی امام سجاد، در برابر عالمان درباری بود. ایشان با علمای وابسته و محدثین بزرگی که برای دستگاه حکومت فعالیت می کردند، مبارزه می کرد. در آن زمان خلفای جور حداکثر استفاده را از این عالمان می کردند و آنها را به آنچه مایل بودند وادار کرده و درخواست جعل حدیث از زبان پیامبر و صحابه بزرگ او داشتند. یکی از این عالمان درباری محمد بن مسلم بن شهاب زهری است. (خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۲۳۳ - ۲۳۰) زهری که از تابعان و محدثان و فقیهان آن عصر مدینه بود به امام سجاد علاقه زیادی داشت. او در وصف حضرت گفته بود: ما رایت هاشمياً افضل منه. (اربلی، ۱۴۳۳ق، ص ۱۱۶) و هرگاه از امام چهارم یاد می کرد می گریست و از ایشان به عنوان زین العابدین نام می برد. (همان، ص ۱۲۳۶)

اما پس از آن که زهری، تغییر مسیر داده و از مخالفان امیرالمومنین علی علیه السلام می شود، مبعوض اهل بیت می گردد تا آنجا که ابن ابی الحدید معتزلی نقل می کند که روزی علی بن حسین شنید که زهری و عروه بن زبیر در مسجد پیامبر نشسته و نسبت به علی علیه السلام بدگویی می کنند. حضرت به مسجد رفت و بالای سر آنها ایستاد و آن دو را مذمت و توبیخ کرد. (ر. ک. ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۱) پس از آن که زهری به دربار بنی امیه رفت تا از ثروت و رفاه آنان برخوردار شود به منصب قضاوت رسیده و معلم فرزندان هشام بن عبدالملک شد.

اوهمچنین به جعل حدیث بر ضد خاندان هاشمی پرداخت. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲- ۲۲۳)

مقام معظم رهبری معتقدند حضرت زین العابدین در برابر زهری موضع‌گیری بسیار سخت و تندی داشتند و این موضع‌گیری در نامه‌ای به او نمایان شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۳۷)

امام در این نامه خطاب به زهری می‌نویسد: تو در حالتی قرارگرفته‌ای که هر کس از این وضع تو اطلاع یابد سزاوار است به حال تو ترحم کند. بدان کمترین چیزی که کتمان کردی و سبکترین چیزی که بر دوش گرفتی، این است که وحشت ستمگر را به آرامش تبدیل کردی و چون به او نزدیک شدی و دعوت او را اجابت کردی راه گمراهی را برای او هموار کردی. آن‌گاه که چیزهایی به تو دادند که حق تو نبود، گرفتی و به فردی نزدیک شدی که هیچ حقی را به کسی باز نگردانده است و هنگامی که تو را به خود نزدیک ساخت، هیچ باطلی را برطرف نکردی و کسی را که دشمن خداست، به دوستی خودت انتخاب کردی. اینک از تمام منصبهای خود کناره‌گیری کن تا به پاکان و صالحان پیشین ملحق شوی. نزدیکترین وزیران و قوی‌ترین یارانشان به قدری که تو فساد آن‌ها را در چشم مردم صلاح جلوه دادی، نتوانسته‌اند به آنان کمک کنند. (حرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۷- ۳۸۱)

متن این نامه علاوه بر این که نسبت به خود زهری بسیار تند است نسبت به دستگاه خلافت نیز بسیار شدید است و منحصر به خود محمد بن شهاب نمی‌شد و دست به دست و دهان به دهان می‌گشت و در تاریخ می‌ماند. امام با نوشتن این نامه که در آن به تویخ و ارشاد زهری پرداخته بودند به یک حرکت علمی و سیاسی دست زدند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۴۱- ۲۳۷)

آری چنان که مشاهده می‌شود امام صریح و بی‌پرده و بدون هیچ ملاحظه کاری با یک عالم درباری سخن

می‌گوید و او را نصیحت می‌نماید. خلفای زمان را ستمگر و فاسد و دشمن خدا معرفی

می‌کند و این با انزوای مورد ادعای دونالدسن کاملاً متعارض است. بلکه به عکس نشان می‌دهد که حضرت کوچکترین حرکات و اتفاقات سیاسی و اجتماعی جامعه را زیر نظر داشته و درباره آنان واکنش حاد سیاسی مناسب نشان می‌دهد.

۱۰۷-۴. سامان دهی شیعیان با تربیت اصحاب شجاع

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، جمعیت بسیار کمی از شیعیان واقعی باقی ماند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: ارتد الناس بعد قتل الحسين عليه السلام ثلاثة أبو خالد الكابلي ويحيى بن أم الطويل وجبير بن مطعم. ثم إن الناس لحقوا وكثروا. (طوسی، ق ۱۳، ص ۳۳۷)

در این فضای مسموم امام سجاد علیه السلام با دست یحیی بن ام طویل‌ها، جمعیت شیعه را سر و سامان می‌دهد و بدین منظور آن‌ها را به مناطق دوردست می‌فرستد. بنابراین در اواخر دوران بنی‌امیه سراسر قسمت شرقی کشور اسلام محب اهل بیت می‌شوند. یحیی کسی است که به او باب گفته می‌شد؛ یعنی رابط بین امام و شیعه بود. در کافی شریف حدیثی از عبید الله است که گوید: یحیی پسر ام طویل را دیدم که در کناسه (میدان بزرگ کوفه) ایستاده و با صدای بلند فریاد زد و گفت: ای اولیای خدا! همانا ما از آنچه می‌شنوید، بیزاریم. هرکس علی را دشنام گوید، نفرین خدا بر او باد و ما از خاندان مروان بیزاریم و از آنچه به جز خدا می‌پرستند؛ سپس صدایش را کوتاه می‌کرد و می‌گفت: هرکس به اولیای خدا دشنام گوید با او ننشینید و هرکه در عقیده ما تردید کند با او هماهنگی نکنید و هرکس از برادرانتان به خواستنی از شما نیازمند شد، به او خیانت کرده‌اید. (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۱۲)

چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: یکی از فعالیت‌های سیاسی امام سجاد علیه السلام این بود که شاگردانی این‌گونه زبده را سراغ مردم می‌فرستاد تا مردم را روشن و آگاه کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۶۵۴-۶۴۷) و این یکی از ابعاد مبارزاتی امام سجاد در برابر خلفای بنی‌امیه بود.

امام زین العابدین در دوران امامت خود تلاش کردند تعداد شاگردان و یاران خود را افزایش دهند تا آنجا که شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه) در یکی از کتابهای رجالی خود تعداد اصحاب و شاگردان حضرت سجاد علیه السلام را بیش از یکصد و هفتاد نفر می‌داند. (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۹-۹۹)

البته شیخ طوسی تمام کسانی که از محضر حضرت استفاده کردند را نام برده است، گرچه از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و یا حتی خود، امام باشند، مانند حضرت باقر و صادق علیه السلام، طبیعی است تمام این افراد و شخصیت‌ها در یک سطح نمی‌باشند و میزان بهره‌مندی آن‌ها از حضرت زین العابدین علیه السلام یکسان نبوده است.

۱.۸-۴. تعرض امام سجاد به خلیفه در مکاتبات

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، فضای سیاسی جامعه به شدت رعب انگیز و همراه با اختناق فراوان بود. هرگونه حرکت و جهاد مسلحانه پیشاپیش محکوم به شکست بود و هیچ حرکتی از زیر نظر جاسوسان بنی‌امیه پنهان نمی‌ماند. در زمان حکومت عبدالملک مروان، امام سجاد علیه السلام، کنیز خود را آزاد کرده و سپس با او ازدواج نمود. بلافاصله عبدالملک در نامه‌ای به امام سجاد، به کار حضرت اعتراض کرده و عمل ایشان را مورد مذمت و تقبیح قرار داد. او می‌خواست با این هشدار به ایشان اعلام کند که حتی امور داخلی و شخصی خانه ایشان را زیر نظر دارد تا چه رسد به حرکت‌های سیاسی و انقلابی.

امام سجاد علیه السلام در پاسخ به نامه او چنین فرمود: بزرگ‌تر و بالاتر از پیامبر کسی نبود. او کنیز و زن مطلقه برده خود را به همسری گرفت. خداوند هر پستی را با اسلام بالا برد و هر نقصی را با آن کامل ساخت و هر لثیمی را در پرتو آن، کریم ساخت. پس هیچ فرد مسلمانی، پست نیست و پستی جز پستی جاهلیت نمی‌باشد. (مجلسی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۱۴ و احمدی میانجی، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۱۷۲)

همچنین زمانی که دوبار عبدالملک مروان از امام درخواست کرد که شمشیر پیامبر را برای ایشان بفرستد امام با تندی پاسخ او را دادند و در برابر تهدید او کوتاه نیامدند. (ابن شهر

اشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۳۵۶)

مقام معظم رهبری می‌آورد: عبدالملک می‌خواست با نوشتن این نامه هم تعرضی به امام کرده باشد و هم به امام بفهماند که از مسائل داخلی تو مطلعم و به نوعی ایشان را تهدید ضمنی کند. اما حضرت در پاسخ نامه مقدمتاً نوشتند که این کار من اشکالی ندارد و کار بزرگانی مثل پیامبر خداست و ملامتی بر من نیست. سپس می‌فرماید: فلا لؤم علی امرئ انما اللؤم لؤم الجاهلیه.

هیچ پستی و خواری برای مرد مسلمان وجود ندارد. پستی و خواری، پستی و خواری جاهلیت است. امام این‌گونه خیلی لطیف او را به سوابق جاهلیت پدراناش توجه دادند، یعنی شما هستید که از خانواده مردم جاهل و مشرک و دشمن خدایی هستید اگر بنا به سرافکنندگی باشد از آن باید سرافکنندگی داشته باشد نه از این که با یک زن مسلمان ازدواج کرده است. در جریان درخواست شمشیر نیز امام سجاد به تندی در مقابل تهدید عبدالملک ایستاد و اینها نمونه‌هایی از تعرضات امام سجاد نسبت به دستگاه خلافت اموی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۵۱-۲۴۹)

۱.۹-۴. پشتیبانی امام در مخالفت اصحاب ایشان از خلفای اموی

تعرض به حکومت و خلفای اموی گاهی از ناحیه امام علیه السلام و گاهی نیز از ناحیه اصحاب ایشان بود. یکی از ابزار این سیاست، سرودن اشعار تند و انقلابی بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۲۵۲) از جمله در تاریخ نقل شده زمانی که هشام بن عبدالملک در زمان خلافت پدرش به حج رفت خواست که حجرالاسود را استلام کند اما به دلیل ازدحام جمعیت نتوانست. ناگهان امام علی بن الحسین ع وارد شدند و خواست حجر را استلام کند. در این هنگام مردم به خاطر هیبت و شکوه حضرت، کنار رفتند تا حضرت به راحتی حجر را استلام نماید. با دیدن این صحنه، یکی از شامیان سؤال کرد: این شخص کیست که همه مردم به او احترام می‌گذارند؟ هشام برای این که شامیان به امام تمایل پیدا نکنند گفت: من او را نمی‌شناسم.

فرزدق که در آن جا حضور داشت، گفت: من او را می شناسم و سپس این گونه سرود:

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته و الیبت یعرفه والحل و الحرم
هذ ابن خیر عبادالله کلهم هذا لتق النقی الطاهر العلم
هذا ابن فاطمة ان كنت جاهله بجده انبیاء الله قد ختموا

و.... (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۲)

فرزدق که در میان مردم می زیست، آن تجاهل هشام را دشوار و غیر قابل قبول دید و آن قصیده عالی را ایراد کرد که آوازه اش به وسیله حاجیانی که از مکه بازگشتند، به نقاط مختلف رسید.

حکومت سیاسی این چنین موضعگیری هایی را توهین به خلافت می دانست و لذا فرزدق را زندانی کردند. اما امام زین العابدین علیه السلام با او در زندان ارتباط برقرار می کند و به خاطر این موضعگیری سیاسی اش، کمک مالی در اختیارش قرار می دهد.

تردیدی وجود ندارد که این عمل امام به معنای اعلان پشتیبانی از مخالفت علنی فرزدق [با حکومت] است که نباید وجود آن را در شناسنامه عملکردهای سیاسی امام زین العابدین علیه السلام نادیده گرفت. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۶- ۲۱۵)

۴.۲ امام سجاد علیه السلام و واقعه حرّه

به گزارش تاریخ در سال ۶۳ هجری، حاکم مدینه چند نفر از بزرگان شهر را به شام نزد یزید فرستاد. آنان اگرچه در شام مورد احترام یزید قرار گرفتند اما پس از بازگشت، از فسق و فجور یزید برای مردم سخن گفتند. انزجار مردم از اعمال زشت یزید و بیعت مردم با پسر زبیر و ایستادگی در برابر یزید و درگیری مردم با ماموران او در مدینه علل قیام را فراهم آورد. (ر.ک. دینوری، ۱۳۸۸، ص ۵۲- ۴۹)

وقتی خبر شورش مردم مدینه و اخراج امویان به یزید رسید، مسلم بن عقبه را به همراه پنج هزار نفر برای سرکوبی نهضت به مدینه فرستاد و به آنان گفت تا به آن ها سه روز مهلت دهند اگر تسلیم نشدند با آنان بجنگند.

سپاه شام به مدینه حمله کرد و بعد از وقوع جنگی خونین بین دو گروه و کشته شدن رهبران نهضت، قیام شکست خورد. مسلم دست سپاهیان خود را به مدت سه روز در کشتن مردم و غارت شهر و تجاوز به نوامیس مردم باز گذاشت تا آن جایی که مسلم را به خاطر این جنایت مسرف نامیدند. پس از قتل و غارت، مسلم از مردم به عنوان برده یزید بیعت گرفت. (دینوری، ۱۳۸۸، ص ۶۴-۵۲ و طبری، ج ۵، ص ۴۹۴ و شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۸۴-۸۳)

قیام مردم مدینه گرچه قیام ضد اموی بود و مردانی عابد و زاهد چون عبدالله بن حنظله عهده دار رهبری آن بودند اما دارای نقاط منفی بود که به دلیل وجود آن‌ها امام از شرکت در آن خودداری کرد. برخی دلایل به این شرحند:

۱. حرکت مردم مدینه از ماهیت اصیل شیعی برخوردار نبود، چنان که در اولین بیانیه شورشیان مدینه نه یادی از حسین علیه السلام به میان آمد و نه از ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام رفته بود، بلکه قیام در خط زبیریان قرار داشت. زیرا که عبدالله بن زبیر در میان شورشیان نفوذ زیادی داشت. حتی مسعودی می‌گوید: قیام مردم مدینه و بیرون راندن امویان و کارگزار یزید از مدینه، با اجازه ی ابن زبیر بوده است (مسعودی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۸) و امام نمی‌خواستند افراد قدرت طلب مثل او ایشان را پل پیروزی قرار دهند.

۲. در این نهضت از امام نظرخواهی نشد، اما چون رهبران شورش افراد مؤمن و صالحی بودند که اعتراض آن‌ها به حاکمیت یزید کاملاً درست بود، امام حرکت آنان را تخطئه نکرد اما در آن نیز شرکت نکرد.

۳. امام حسین علیه السلام برای این که حرمت کعبه و شهر مکه حفظ شود، این شهر را ترک کرد اما شورشیان، شهر مدینه را مرکز حرکت قرار دادند بدون در نظر گرفتن این که این قیام باعث هتک حرمت شهر پیامبر و اهانت به آن می‌شود.

۴. امام سجاد علیه السلام شکست نهضت مدینه را پیش بینی کرد و می‌دانستند که در صورت همکاری با این نهضت خود و یارانش نیز به شهادت خواهند رسید و باقیمانده نیروهای تشیع از بین می‌رود و لذا برای حفظ اقلیت شیعه برای آینده، امام از شرکت در این قیام

خودداری کرد و به همراه خانواده خود از شهر خارج شد.

برخی از متون نشان می‌دهد که امام علیه السلام هدف دشمنان بوده است. شیخ مفید می‌گوید: مسلم بن عقبه به مدینه آمد، درحالی که می‌گفت جز علی بن الحسین علیهما السلام را در نظر ندارد. (مفید، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۲) و از آنجاکه او تنها وارث اهل بیتی بود که آن همه خون دادند و آن جایگاه والا را در نزد دوستانشان داشتند، انتظار می‌رفت که امامت در میان آنان باشد. بر این، تردیدی وجود ندارد که وجود امام سجاد علیه السلام هدف دشمنان بوده است. اما امام با کناره‌گیری خود، جان بیش از چهارصد خانواده را که به خانه او پناه آورده بودند را نیز نجات داد. (پیشوایی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۰ و ۲۷۱ و رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱-۱۵۰)

درحالی که اگر امام علیه السلام در آن قیام دخالت می‌کرد، از دو حال بیرون نبود، یا زیر گام‌های سپاه متجاوز له می‌شد و یا حرکتی به پیروزی می‌رسید که هدف حقیقی اش مشخص نبود و کسانی آن حرکت را رهبری می‌کردند که نه احترام و کرامتی برای اهل بیت علیهم السلام قایل بودند و نه حق امامت برای آنان! (حسینی جلالی، ۱۴۱۸، ص ۷۰)

همین امر باعث شد که چنان‌که طبری می‌نویسد: وقتی یزید، مسلم بن عقبه را به مدینه فرستاد به او گفت که علی بن حسین در کار شورشیان دخالت نداشته است. از او دست بردار و با او به خوبی رفتار کن. لذا وقتی امام زین العابدین علیه السلام نزد مسلم بن عقبه رفت، مسلم گفت: مرحبا و اهلا. سپس او را بر تخت خود نشان داد و گفت: این خبیث‌ها (مردم مدینه) نگذاشتند به کار تو برسم و امیرالمومنین سفارش تو را به من کرده است.... سپس دستور داد چار پای امام را زین کردند و او را سوار کرده و به خانه بازگرداند. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۹۳-۴۹۲)

اما چنان‌که قبلاً گفته شد ابعاد مبارزات سیاسی امام سجاد بسیار وسیع بود و عدم شرکت ایشان در قیام مردم مدینه و واقعه حره، علل و عوامل مختلف دارد از جمله ۱. تقیه؛ ۲. حفظ اساس شیعه و نه انزوا و گوشه‌گیری حضرت از فعالیت سیاسی.

مقام معظم رهبری نیز ضمن اشاره به این مطلب که در جریان حرکت مسلم بن عقبه به

طرف مدینه هیچ کس شک نداشت که هدف اولش علی بن الحسین است می آورد: لکن امام سجاد با تدبیر و با روش حکیمانه طوری عمل کردند که این بلا از سر شان دفع شد. ایشان باقی ماندند و طبعاً محور اصلی شیعه باقی ماند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲)

۳. ۴. امام سجاد علیه السلام و قیام مختار

مختار که از شیعیان معروف کوفه بود و در جریان کربلا به دلیل اسارت در زندان عبیدالله نتوانست به امام حسین ع و یارانش پیوندد، (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۸۰) پس از شهادت امام حسین علیه السلام با وساطت عبدالله بن عمر نزد یزید، مختار از زندان آزاد گردید، اما از کوفه اخراج شد. او راهی حجاز شد و در کنار ابن زبیر در مکه قرار گرفت. پس از مرگ یزید شرایط برای قیام او در کوفه فراهم شد. لذا او به کوفه بازگشت و این همزمان با قیام تواین بود. حاکم زبیری کوفه، دوباره مختار را زندانی کرد و مختار در زندان از شکست تواین باخبر شد. پس دوباره با وساطت عبدالله بن عمر از زندان آزاد گردید و با احضار پیروانش تصمیم خود را برای قیام اعلام کرد. (همان، ج ۵، ص ۵۸۱ - ۵۶۹) مختار خود را نماینده محمد بن حنفیه معرفی می کرد و با این عنوان مردم را به سوی خود دعوت می کرد برخی از شیعیان کوفه که درباره ادعا و نیت خود دچار تردید شدند گروهی را نزد محمد بن حنفیه فرستادند (همان، ج ۶، ص ۱۳ - ۱۱) و محمد حنفیه با کوفیان خدمت امام سجاد علیه السلام رسید و جریان را برای حضرت عرض کرد و نظر امام را جویا شد امام نیز فرمود: ای عمو اگر بنده‌ای زنگی نیز جانب ما اهل بیت را بگیرد بر مردم یاری او لازم است و من در این مورد شما را ولی و سرپرست قرار دادم. آنچه می خواهی انجام بده. (مجلسی، بی تا، ج ۴۵، ص ۳۶۵ و خوبی، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۰۹)

وقتی پیام امام به کوفیان رسید آنان نیز در پیوستن به مختار دچار تردید نشدند و به این ترتیب، یاران مختار زیاد شدند. مختار و یارانش در سال ۶۶ خروج کردند. آن‌ها مدتی به خونخواهی امام حسین علیه السلام پرداختند و توانستند بسیاری از قاتلین امام حسین علیه السلام را دستگیر و به قتل رسانند از جمله شمر بن ذی الجوشن، خولی، عمر سعد، عبیدالله بن زیاد،

حرمه و... سرانجام مختار با حمله مصعب بن زبیر به کوفه در قصر خود محاصره شد و در سال ۶۷ هجری به شهادت رسید. (خراسانی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۷۲)

مطلب دونالدسن درباره پاسخ ندادن امام سجاد به نامه مختار صحیح است و مختار چون از همکاری امام سجاد ناامید شد، نامه‌ای به محمد بن حنفیه نوشت و از او همان درخواست را نمود. محمد حنفیه نیز درخواست مختار را پذیرفت و مختار به عنوان نماینده او مردم را به خود دعوت کرد. (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۱ - ۳۴۰) اما این موضعگیری از جانب امام با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی عصر کاملاً ضروری و منطقی بود، زیرا امام سجاد اگر در آن زمان اقدام به حرکت می‌کرد به نابودی شیعه می‌انجامید. امام رابطه مستقیم خود را با این حرکت به صلاح ندانست و رهبری نهضت را به محمد بن حنفیه واگذار کرد. البته در مواقعی نیز قیام مختار را تأیید نمود اما گاهی نیز نسبت به او اعلام بی‌زاری می‌کرد تا بهانه‌ای در دست امویان نباشد و این اقدامی سیاسی و عامدانه بود تا حکومت ایشان را متهم به همکاری با مخالفان نکرده و شیعیان را قلع و قمع نکند.

بیرون رفتن امام زین العابدین علیه السلام از بحران جنبش‌های مخالف دولت، با توجه به اختلاف مواضع آن‌ها در برابر امام که برخی از آن‌ها طرفدار، برخی بی طرف و برخی دشمن او بودند، به گونه‌ای که اثر منفی بر آن حضرت نگذارد و مسئولیتی بر دوش او بار نکند و طرف‌های درگیر هم از موقعیت او به عنوان امام و زعیم اهل بیت سوء استفاده نکنند و به اهداف و برنامه‌هایی که برای زنده کردن دین ترسیم کرده است، زیان نرسانند، کار فوق العاده‌ای بود که باید آن را از بزرگترین مواضع سیاسی امام به شمار آورد؛ و شناخت پایه‌ها و ابعاد آن، نیاز به بررسی ژرف دارد. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۴ - ۲۳۶)

مقام معظم رهبری درباره حمایت نکردن علنی امام سجاد از قیام مختار می‌فرماید: امام سجاد در قضیه مختار نسبت به او اعلام هماهنگی نکردند. اگرچه در بعضی از روایات هست که پنهانی با مختار ارتباطاتی داشتند اما در این که آشکارا با او رابطه‌ای نداشتند، شکی نیست و حتی در بعضی از روایات شنیده می‌شود که امام سجاد نسبت به مختار

بدگویی می‌کند. این هم طبیعی به نظر می‌رسد که یک عمل تقیه‌آمیزی باشد، برای این که رابطه بین اینها احساس نشود. البته اگر مختار پیروز نهایی میشد، حکومت، حکومت اهل بیت می‌شد. اما اگر شکست می‌خورد و رابطه مشخص و واضحی بین امام سجاد و او وجود داشت، یقیناً این نعمت دامن امام سجاد و شیعیان مدینه را هم می‌گرفت و رشته تشیع قطع می‌شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲-۱۹۱)

۴.۴. تشکیل حکومت اسلامی هدف نهایی امام سجاد علیه السلام و امامان دیگر

امامان معصوم علاوه بر آن که امامت و رهبری جامعه اسلامی را بر عهده داشتند وظایف خطیر دیگری را نیز بایستی انجام می‌دادند. از جمله تبلیغ، تفسیر و تبیین مکتب، احیای دین و زدودن خرافات و نیز تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی. (رنجبر، ۱۳۸۳، ص ۳۶-۳۵)

مقام معظم رهبری با اشاره به روایتی از امام صادق علیه السلام هدف نهایی حضرت سجاد ع و ائمه دیگر را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانند. روایت این گونه است:

ابو حمزه ثمالی گوید: «از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: ای ثابت همانا خداوند پاک و فرازمند، زمان این موضوع را در هفتاد سال قرار داد. وقتی حسین - درود خدا بر او - کشته شد، خشم خداوند بر اهل زمین سخت گشته، آن را تا صد و چهل سال عقب انداخت. آن گاه ما آن را به شما بازگفتیم. شما آن را فاش کرده، پرده از راز برداشتید و پس از آن خداوند برای آن در پیش ما وقتی نگذارد. خداوند آنچه را بخواهد از میان می‌برد و استوار می‌کند. و اصل کتاب نزد او است.»

ابو حمزه ثمالی گوید: «این حدیث را با حضرت صادق علیه السلام بازگفتم. فرمود: چنان بوده است.» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۹-۱۹۸)

آیت الله خامنه‌ای در شرح این حدیث می‌فرماید: «هذا الأمر» یعنی یعنی «ولایت اهل بیت». ایشان معتقدند: در اغلب روایاتی که کلمه «هذا الامر» آمده، مراد حکومت اهل بیت است و البته یک جاهایی نیز به معنای «قیام» آمده است. «هذا الامر» یعنی

موضوعی که در بین اهل تشیع معمول بود. موضوعی که سال‌ها دائم صحبتش را می‌کردند و آرزویش را داشتند و برایش طرح‌ریزی می‌کردند.

ایشان می‌گوید: طبق روایت، برای کار حکومت اهل بیت در سال ۷۰ هجری قمری، یعنی ۱۰ سال بعد از شهادت امام حسین وقت گذاشته بود. وقتی که امام حسین به شهادت رسیدند خشم خدا بر اهل زمین شدید شد، موعد را تا سال ۱۴۵ به تاخیر انداخت. سال ۱۴۰، هشت سال قبل از شهادت امام صادق علیه السلام است.

ایشان معتقد است: تصور من این است که آن ولی امر و آن قائمی که باید قیام می‌کرد و حق را می‌گرفت، امام صادق بود. منتها در آن جا هم حرکت عجولانه بنی عباس که به خاطر دنیا و هوای نفس خودشان از هر شیوه‌ای که می‌خواستند استفاده کردند، زمینه کار را از اهل بیت گرفت که بعد از آن وقت هم تاخیر افتاد. حضرت می‌فرماید: ما شما را در جریان گذاشتیم و شما آن را افشا کردید لذا خدای متعال دیگر وقتی برای این قرار نداد.

این در عقاید اسلامی ما جزو مسلمات است که آنچه به صورت مسلم برای آینده فرض می‌شود از نظر پروردگار و قدرت الهی قابل عوض شدن است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۱۷۳-۱۷۲) آیت الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند که، ائمه همگی به دنبال همین هدف یعنی تشکیل حکومت اسلامی بودند و لذا تمام جملاتی که امام سجاد به اصحابشان بیان کردند و حرکاتشان و صحیفه سجادیه و دعا خواندن‌ها و حرکت در برابر عبیدالله زیاد و یزید که بسیار شجاعانه و فداکارانه بود و حرکت در مقابل مسرف بن عقبه و نیز در مقابل عبدالملک مروان که گاهی تند و گاهی ملایم بود، سپس برخورد با عمر بن عبدالعزیز و برخورد با اصحاب و توصیه‌ها به دوستانشان و برخورد با علمایی که وابسته به دستگاه جائر حکومت بودند تماماً باید با توجه به آن خط و آن هدف تفسیر شود.

مقام معظم رهبری با توجه به روایتی که در آن امام سجاد علیه السلام صندوقی را به امام باقر علیه السلام دادند که در آن سلاح و کتاب بود، می‌فرماید: «سلاح رمز فرماندهی انقلابی است و کتاب رمز تفکر و ایدئولوژی اسلامی.» (همان، ص ۱۷۶-۱۷۴)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به شبهه دونالدسن مبنی بر عدم تمایل امام سجاد علیه السلام به فعالیت سیاسی ائمه با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری انجام شده است. نظرات اندیشمند فرزانه و رهبر بزرگ جهان تشیع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و نقل معتبر تاریخ نشان می‌دهد تمام ائمه خصوصاً امام سجاد علیه السلام تمام تلاش خود را برای مبارزه با حکومت وقت انجام دادند، به گونه‌ای که زندگی آنان سراسر مبارزه است و همین باعث شهادت آنان می‌شد. امام سجاد علیه السلام پس از واقعه کربلا از اولین لحظه اسارت به مبارزه سیاسی اقدام کرد و با ایراد خطبه در برابر عییدالله بن زیاد در کوفه و سپس برخورد شدید در برابر یزید در شهر شام رسالت خود را انجام داد. ایشان پس از بازگشت به مدینه حقایق کربلا را برای مردم بیان کرد و در طول سالیان عمرش با زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا از دستاوردهای آن حراست نمود. حضرت با علمای درباری حکومت اموی مبارزه می‌کرد و با تربیت اصحاب شجاع جمعیت شیعه را سازماندهی نمود. در برابر خلیفه حتی در مکاتبات کوتاه نمی‌آمد و اصحاب شجاع ایشان نیز به دستگاه اموی تعرضاتی داشتند. حضرت در واقعه حره و همچنین قیام مختار نقش ظاهری جدی نداشت اما بی‌شک این موضع‌گیری امام چنان‌که تاریخ‌نویسان و تحلیل‌گران گفته‌اند به خاطر حفظ اساس شیعه بوده است و الا تمام ائمه و همچنین امام سجاد در تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی بودند، گرچه در این راه امام سجاد امکان قیام مسلحانه نداشت، اما تمام تلاش خود را انجام داد.

فهرست منابع

۱. آشتیانی، سید جمال الدین، ۱۳۷۱ش، نگاهی به مسائل ایران شناسی و شیعه شناسی هانری کربن، مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسائل ایران شناسی زیر نظر علی موسوی گرمارودی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، بی تا، شرح نهج البلاغه، بی جا، بی نا. (نسخه موجود در کتابخانه قائمیه)
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۶، مناقب آل ابی طالب، چاپ حیدریه.
۴. ابن طاووس، رضی الدین، ۱۳۸۷ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، غم نامه کربلا: ترجمه محمد محمدی، تهران: نشر مطهر.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۳۸۴، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین، تحقیق: محمد باقر محمودی، قم: انتشارات دلیل ما.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۷. احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۵ش، مکاتیب الائمه، قم: دارالحدیث، چاپ دوم.
۸. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۳۳هـ، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، قم: مرکز الطباعة والنشر للمجمع العالمی لاهل البيت.
۹. حسینی عاملی، محسن، ۱۳۵۳ش، زندگانی امام زین العابدین علی بن الحسین، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۱۰. براون، ادوارد، ۱۳۷۵ش، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
۱۱. پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۶ش، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق..
۱۲. جعفریان، رسول، ۱۳۸۷ش، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انتشارات انصاریان، چاپ یازدهم.
۱۳. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۸۰ش، تحت العقول عن آل الرسول علیهم السلام، مترجم بهراد جعفری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. حسینی جلالی، محمدرضا، ۱۴۱۸ق، جهاد الامام السجاد، قم: دارالحدیث.

۱۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹ش، حماسه امام سجاد (تحلیل مبارزات سیاسی فرهنگی امام سجاد)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۶. _____، ۱۳۹۸ش، انسان ۲۵۰ ساله، حلقه سوم، گردآوری صهبای بی‌جا، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
۱۷. خراسانی، محمد هاشم، ۱۳۸۲ش، منتخب التواریخ، تهران: اسلامیه.
۱۸. خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، نسخه نرم افزار معجم فقهی
۱۹. در افشان، محمد حسین ۱۳۹۲ش، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از منظر آیات و روایات، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۰. دونالدسن، دوایت م، زمستان ۱۳۹۵، مذهب شیعه، تاریخ اسلام در ایران و عراق، ترجمه عباس احمدوند، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم..
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا.
۲۲. دینوری، ابی عبدالله بن مسلم بن قتیبه، ۱۳۸۸ش، الامامه و السیاسه، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۳. رنجبر، محسن، ۱۳۸۳ش، نقش امام سجاد در رهبری شیعه، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. زرین کوب، غلامحسین، ۱۳۶۲ش، تاریخ ایران بعد از اسلام، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۵. شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن الحسین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸.
۲۶. طبرسی، احمد ابن منصور، ۱۳۸۱ش، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الطبری؛ تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم. بیروت: روائع التراث العربی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال کشی، ق ۱۳، نسخه کتابخانه قائمیه.
۲۹. _____، ۱۴۱۳ق، رجال طوسی، تحقیق: جواد قیومی، مشهد: آستانه رضوی، مجمع

البحوث الاسلاميه.

۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
۳۱. قمی، عباس، ۱۳۹۰ش، منتهی الآمال، تهران: مبین اندیشه.
۳۲. قمی، عباس، ۱۳۸۷ش، نفس المهموم، ترجمه: ابوالحسن شعرانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵ش، اصول کافی، ترجمه: صادق حسن زاده. تهران: قائم آل محمد، ۱۳۸۵.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، بی تا، بحار الانوار، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. _____ بی تا، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۶. مسعودی علی بن حسین، ۱۳۷۵ش، اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب، قم: مؤسسه انصاریان.
۳۷. مسعودی، مروج الذهب، نسخه مکتبه الشامله.
۳۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱ش، نظریه سیاسی اسلام، تحقیق کریم سبحانی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم.
۳۹. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۸۴ش، الارشاد، قم: محبین.
۴۰. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸ش، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

فصل سوم

عوامل پیشرفت جامعه در ابعاد گوناگون با تأکید بر
بیانیه گام دوم انقلاب
